

اکثریت

نشریه هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (انترنیت) در خارج از کشور

جمعه ۵ مرداد ۱۳۶۳ برابر ۲۷ ژوئیه ۱۹۸۴
بها ۴۰ ریال - سال اول - شماره ۱۷

گنشر فرستاده ویژه کنفرانس لندن

هانس دیتريش گنشر، وزیر امور خارجه آلمان فدرال، هفته گذشته به دعوت رسمی مقامات ایرانی، در راس يك هیات اقتصادی-سیاسی و اردتهران شد. او طبق برنامه تنظیم شده با عالیترین مقامات حکومتی جمهوری اسلامی دیدار و گفتگو به عمل آورد. در اعلامیه های رسمی به دستور اصلی مذاکرات و به ویژه به مذاکراتی که خارج از دستور صورت گرفت، اشاره چندانی نشد. مصاحبه دکتر لایتی در ریاسان این دیدار، حاکی از رضایت و خرسندی نسبت به نتایج حاصله بود.

گنشر عالی رتبه ترین مقام دولتماندی امپریالیستی است که پس از کنفرانس سران این دول در لندن، به ایران مسافرت کرده است. از این رو این مذاکرات ابعادی فراتر از مذاکرات میان دو دولت یافته است. گنشر نه فقط به تحکیم بازهم بیشتر مناسبات و گسترش چشمگیر تر مبادلات قیامین نظر و خسته بود بلکه تنظیم امور در مناسبات ایران و مجموعه جهان امپریالیستی را نیز در برنامه داشت. او پیام آور کنفرانس لندن برای دو لئوردان جمهوری اسلامی بود. سردمداران جمهوری اسلامی که بیا خیانت به انقلاب کوشیدند و دولت "محققول" مورد نظر امپریالیسم را بنا کنند، به تصمیمات کنفرانس لندن دل بسته بودند. آنها که پیشاپیش به تصمیمات عاقلانه "سران" در این بقیه در صفحه ۲

جمهوری اسلامی دست اندرکار روسفید کردن شاه روسیاه

دیرینش روزهای آخریات ننگینش را گذراند. وجه عبرت انگیز است سرتوشت این میهمان و میزبان، که یکی به تدریج در آتش خشم خلق سوخت و دیگری به یکباره شاه چه کرد که آنچنان نفرت مردم را برانگیخت؟ او نوکر سرسپرده امپریالیستهای آمریکایی بقیه در صفحه ۴

چهارسال از مرگ محمد رضا پهلوی در خواری و خفتی که شایسته همه دیکتاتورها و جانیانی مانند او است، گذشت. مرگ شاه، پایان سمبلیک و پرمعنای زندگی فردی بود که قدرت خود و رژیمش را بالاتر از قرون تراز قدرت خلق می دانست، اما عاقبت در نهایت زاری و زبونگی از برابرمردمی که بپاخاسته بودند، گریخت و پس از چندی در دری، بلاخره نزد "سادات" یار

نقش جمهوری اسلامی در اوپک:

از ادعا تا عمل

در مورد میزان تولید، نیجریه و ونزوئلا در این اجلاس خواستار افزایش سهمیه خود شده بودند که با تقاضای نیجریه به علت مشکلات مالی این کشور، موافقت بعمل آمد و با توافق عربستان سعودی و رضایت آن به کاهش سهم تولید خود، سهم نیجریه ۱۲/۵ درصد افزایش یافت.

هفتاد و دو عضو اجلاس و زرای نفت کشورهای عضو اوپک اخیراً در وین برگزار شد. مهمترین مورد دستورکار این کنفرانس، انتخاب دبیرکل جدید و بررسی میزان تولید و قیمت نفت بود. کنفرانس در مورد انتخاب دبیرکل به توافق نرسید و تنها قرار بر این شد که تا اجلاس بعدی، وزیر نفت لیبی همچنان ریاست اوپک را برعهده داشته باشد.

بقیه در صفحه ۳

بنیادی به نام "مستضعفان" و به کام "مستکبران"

"۷۰۰ میلیارد تومان زمینهای مسوالت و زمین شهری ۵۰۰ میلیون تومان زمینهای کسه به هیات های هفت نفره تحول داده شده و بیا خواهد شد، میلیارد ها تومان ساختمان و دیگر اموال، ۹۰ شرکت هواپیمایی و صدها شرکت ساختمانی و بازرگانی ۱۴۰۰۰۰ شرکت پیمانکاری و ساختمانی و ۲۰۰ کارخانه ۵۰۰ معدن کوچک و بزرگ و ۵۰۰۰ واحد تولیدی و ۲۰ هزار واحد بقیه در صفحه ۷

"بنیاد مستضعفان" پس از انقلاب بهمن برای اداره اموال مصادره ای در ایران و فراریان از انقلاب تشکیل شد. آمار دقیقی از اموال این بنیاد تا کنون منتشر نشده است، اگر به مصاحبه سرپرست این بنیاد در این مورد استناد کنیم، کارخانه های، شرکتها، مستغلات و زمین تحت تملک بنیاد شرتسی با ارقام نجومی است. وی لیست ناقصی از اموال این بنیاد را به شرح زیر اعلام کرده است:

بازگشت ملاکین و فنودالها به روستاها

جلوه فضاحت بار ادعاهای سران حاکمیت

در صفحه ۲

گزارشی از اوین، (۳)

آوردگاه شرف انسانی و درنده خونی حیوانی

در صفحه ۶

"ملا آواره": اتحاد رمز پیروزی است

در صفحه ۵

لاجوردی می خواهد از استخوان کارگران،

مناره بسازد

در صفحه ۴

مصاحبه رفیق آنجلادیوس،

عضو کمیته مرکزی و کاندیدای حزب کمونیست آمریکا برای احراز مقام معاونت رئیس جمهور

گزینش "جرالدین فرارو" در سمت کاندیدای معاونت رئیس جمهور، از آنجاکه یکی از دوجزب بزرگ آمریکایی نخستین باریک زن را کاندیدای معاون رئیس جمهور کرده، بمثابة يك رویداد. بقیه در صفحه ۹

در روزهای اخیر، کنو استیون خنرزد مکررات آمریکا و انتخاب والتر ماندیل به عنوان کاندیدای ریاست جمهوری از سوی این حزب، بخش مهمی از اخبار و گزارشهای رسانه های گروهی بود. ژوئیه غرب رابه خود اختصاص داد.

جنگ را قطع کنید! مردم صلح می خواهند

بازگشت ملاکین و فئودالها به روستاها جلوه فضاحت بارادعاهای سران حاکمیت

این مناطق ساوه است و این تنها نوع نیست. امروز دیگر طرح مسائلی از قبیل اصلاحات ارضی، نه تنها از جانب رهبران ج ۰، ۰، ۰، عملی " کفرآمیز " و " خلاف شرع " قلمداد می شود ، بلکه ، حکومت و رهبران آن با عهد شکنی و قاحت آمیز ، زری آنند که تد ریحاراهبهای بازگرداندن ارغنی تقسیم شده در زمان شاه معدوم و رانیز به بزرگ مالکان هموارسانند . این سیاست ارتجاعی از جمله عوامل عمده ای است که روز بروز وضع معیشتی دهقانان را وخیم تر کرده و آنها را واداره مهاجرت سیل آسا به بیخوله های شهرهای بزرگ می کند . دهقانان محروم که با انقلاب بهمین انتظار داشتند ، سیمای کراهت آمیز بیکاری ، فقر ، بیماری ، بیسوادی و ... از روستا هازد و دشود ، اکنون یکی از راههای مقاومت در برابر فلاکت و استعمار ستم فئودالی را ، در خارج شدن از روستا و هجوم به شهرها برای یافتن کاروانان می دانند و هیچ انگیزه ای برای ماندن در روستاها در خود نمی یابند . چراکه " زارع خود را مالک زمین نمی داند و هر لحظه احتمال می دهد که مالک بیاید و با چوب و چماق او را از زمین بیرون کند . " (فاضل هرندی - همانجا) .

رهبران ج ۰، ۰ که روزی داعیه نجاسات " مستضعفین " را داشتند ، اکنون در وضعیتی که فقر و فلاکت و ستم و استعمار و آوارگی و گرسنگی و مرگ و بیماری ، سرسار روستاها را فرا گرفته است ، ملاکان و فئودالهای خودخواه را با " چوب و چماق " شان به روستاها روانه می کنند ، تا جلوه فضاحت بارادعاهای دروغین خود را به نمایش بگذارند .

اجرای اصلاحات ارضی بنیادی و ریشه کنی بزرگ مالکی ، به سود میلیونها دهقان بی زمین و کم زمین بمثابه یکی از اساسی ترین آماجهای انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی میهنمان - همواره در مرکز مقاومت لاجو جان و خرابکاری خصمانه حامیان ستم و بهره کشی قرون وسطایی ، و در رأس آنها شورای نگهبان قرار داشت .

اکنون با چرخش کامل حاکمیت ج ۰، ۰ به راست و تثبیت موقعیت بزرگ مالکان و نمایندگان آنها در ارگانهای دولتی ، تقریباً این جدالها و کشمکشها به نفع خانها و زمیندارها فروکش کرده است . روند باز پس گرفتن زمین از دهقانان زحمتکش ، و واگذاری آن به ملاکان و فئودالهای فراری ، روز بروز زشتاب و دامنه بیشتری می گیرد . علیرغم مقاومت دهقانان در مقابل بازگشت فئودالهای جنایتکار ، آنها با در دست داشتن حکم " قانونی " و " شرعی " از طرف دادگاههای انقلاب !! تحت حمایت ژاندارمها ، پاسداران و کمیته چپ ها به روستاها بازمی گردند و مقاومت دهقانان محروم ، با سرکوب خشن ، و زندان و تبعید پاسخ داده می شود . فاضل هرندی رییس کمیسیون کشاورزی مجلس در گفتگوی با کیهان (۲۴ تیر) می گوید : " طبقه بخشنامه های شورای عالی قضایی از سال ۱۳۵۹ حدود ۹۰۰ هزار هکتار زمین به صورت کشت موقت در اختیار کشاورزان قرار داده شده است ولی در حال حاضر که با شفافیت می کنم برخی از روستائیان بعلت فعالیت روی زمین اراضی کشت موقت هنوز در زندان بسر می برند و حتی بعضی از اعضای هیاتهای واگذاری را تحت تعقیب قرار داده و یا بازداشت کرده اند . یکی از

بازسازی دستگاها های اطلاعاتی رژیم جمهوری اسلامی ، از افتخاراتی است که در برابر رقبا به آن می بالند . پس آقای گنشد رتهران در اعتراض به سرکوب و عدم رعایت حقوق بشر چه می توانست گفته باشد ؟

برخلاف آنچه که در رسانه های غربی منعکس گردید ، صاحبه دکتر و لایتی نشان دهنده جو تفاهم آمیز حاکم برجاسات بود . تجلیل مکرر و زیرخارجه ایران از " صنایع درجه اول آلمان " بیانگر توافقهایی می باشد که صورت گرفته است . به قیمت آن همه سرکوب و کشتار ، دروازه های کشور چهارطاق بر روی کالاها و کمپانی های امپریالیستی گشوده شده است و فروش نفت ، بمثابه اصلی ترین منبع ملی کشور ما ، به ثمن بخش و در هر سطحی که مقدور باشد ،

گنشر فرستاده ویژه کنفرانس لندن

بقیه از صفحه اول

کنفرانس امیدوار شده بودند ، در شوق دریافت آن بی طاقتی می کردند . می خواستند در یابند آیا آن " نشانه های مثبتی " که توسط سران دولتهای امپریالیستی در کنفرانس ویلیامزبورگ دیده شده بود ، به اندازه کافی وضوح و صراحت یافته است ؟

ویژگی سفر گنشر به تهران توجه رسانه های گروهی و محافل سیاسی رادرجهان برانگیخت و بازتاب گسترده ای یافت . به ویژه رسانه های آلمان فدرال بطور مینوسطیه ارزیابی

جنبه هایی از این سفر پیامدهای آن پرداختند . اما پروگنوسی رسانه های وابسته به انحصارات به معنای بازگویی اهداف اصلی سفر نبود . این رسانه ها که از چندی قبل کوشیدند با جعل و تحریف ، اندکی از آلودگی چهره جمهوری اسلامی بکاهند ، این بار گنشر را بمثابه قدیمی وانمود کردند که گویا بمنظور نجات " حقوق بشر " به تهران رفته است . آنان دعای خیرشان را بدرقه راه گنشر کردند . برخی محافل نیز که گنشر را پاک و منزه وانمود می کردند ، فزندن دستهای خونین دولتمردان ایرانی را در شان ! او نمی دانستند حتی در این گوشه و آن گوشه با برپایی اجتماعاتی سعی شد تا ضمن افشای جمهوری اسلامی ، آقای گنشر را از این خطای ناشایست بازدارند . در پی مذاکرات هم کوشش شد تا وانمود شود که تلاش و زیرخارجه آلمان فدرال در تهران ، در جهت وادار ساختن مقامات تهران به پذیرش " حقوق بشر " بوده است .

اما پوشاندن ردای قدیس برتن و زیرخارجه دولت بخایت ارتجاعی که " تلاش عیثی است " سرکوب و اختناق و وحشیانه در ایران ، نه تنها نمی تواند خاطر رجال امپریالیستی را آزرده کرده باشد ، بلکه از جمله بمنظور جلب قلوب آنان صورت می گیرد . حتی رسانه های امپریالیستی نیز نتوانسته بودند انکار نمایند که سرکوب خونین نیروهای کمونیست و میهن پرست در ایران ، از جمله " نشانه های مثبتی " است که توسط دولتهای امپریالیستی دیده شده بود . این دولتهای تنها از کشتار در ایران استقبال کرده اند ، بلکه برای زمینه سازی آن از هیچ تشبیه زنیانه ای خودداری نکرده اند . در این میان به ویژه عملکرد سازمانهای جاسوسی آلمان فدرال برجسته است . همراهی و همدستی آنان با ارگانهای سرکوب در ایران و کمک در

ممکن گردیده است . گردانندگان رژیم جمهوری اسلامی که مشخصه های دولت " معقول " امپریالیستهارا دریافتند ، با قریانی کردن دسته دسته میهن پرستان ایرانی ، راه تحکیم وابستگی به جهان امپریالیستی را در پیش گرفته اند . حال که بادستهای خونین به استقبال گنشر رفتند ، او به چه چیزی می توانست اعتراض کرده باشد ؟

جدداتو همات این و آن و جسد از عوامفریبی های مبلغین امپریالیستی ، همراه با افشا جنایات خونین حاکمیت جمهوری اسلامی نقش جنایت بارد و لتهای امپریالیستی در تکیه و تسوالاتی که برای مردم ما ، درد و خون و ویرانی بیار و رده است ، را افشا کنیم ، تا پرده و نقاب از چهره کزیه شان دریده شود .

استقلال ، آزادی ، عدالت اجتماعی

نقش جمهوری اسلامی در اوپک:

از ادعا تا عمل

بقیه از صفحه اول

در این اجلاس، و زیر نفق لیبی که ریاست اوپک را برعهده دارد، طی گزارشی عملکرد مخرب انحصارات نفتی و بخصوص برخی کشورهای تولیدکننده نفت غیرعضو در اوپک، یعنی انگلستان و تروژ را برای اعمال فشار بر کشورهای صادرکننده نفت و درهم شکستن سازمان آنها، اوپک، تشریح کرد. بنابراین گزارش، ایمن کشورهای تولیدات نفتی خود را در ماهه اول سال ۱۹۸۴، ۱۳/۵ درصد افزایش داده اند که به افزایش کل تولید کشورهای غیرعضو به میزان ۳/۲ درصد، منجر شده است. (اطلاعات ۲۰ تیر) در نتیجه، قیمت نفت در بازار جهانی کاهش یافته و برای نخستین بار در تاریخ اوپک، برخی کشورهای عضو مانند نیجریه در ردیف کشورهای مقروض جهان درآمده اند.

سازمان کشورهای صادرکننده نفت، " اوپک "، که در سال ۱۹۶۰ تأسیس شد، از اوایل دهه ۷۰ به مبارزه موفقیت آمیزی علیه انحصارات نفتی دست زد و توانست با استفاده از تغییر تناسب قوای بین المللی به زیان امپریالیسم، افزایش تقاضا برای مواد سوختی در بازار جهانی سرمایه داری و همچنین اتحاد و بهم فزودگی صفوف کشورهای عضو، نظام اسارتبار قراردادهای نفتی میان انحصارات و کشورهای صادرکننده را درهم شکنند و در راه تأمین قیمت عادلانه برای این " طلای سیاه " و تضمین کنترل کشورهای نفتی بر ثروت ملی خود، گامهای جدی بردارد. مبارزه اوپک، مورد پشتیبانی جبهه جهانی ضد امپریالیستی قرار گرفت. اتحاد شوروی، که خسود از بزرگترین کشورهای تولیدکننده نفت است، پیوسته به تحکیم و تقویت اوپک - علیرغم عدم عضویت در آن - یاری رسانده و از قیمتهای تعیین شده توسط آن، پیروی کرد. در مقابل، کشورهای امپریالیستی روش مقابل با اوپک را در پیش گرفتند، و چه از طریق عملکرد متحدانشان در درون اوپک - نظیر رژیم شاه و عربستان سعودی - و چه تضعیف موقعیت کل اوپک در بازار جهانی نفت، به مبارزه با اوپک برخاستند. کشف و استخراج نفت در دریای شمال توسط کشورهای اروپایی، بحران اقتصادی کشورهای سرمایه داری و کاهش تقاضای نفت، در فاصله سالهای ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۲ سهم نفت اوپک در بازار سرمایه داری را از ۶۶ درصد به ۴۹ درصد کاهش داد.

بر سر چنین زمینه ای از صف بنسودی نیروهای جهانی در مورد مساله نفت، روشن است که تقویت مبارزه جنبشهای بخش ملی، که مبارزه اوپک بخشی از آنست، تنها از طریق تقویت و تحکیم یکپارچگی اوپک، رعایت سقوف تولید و بهای تعیین شده توسط آن و توافق بر سر منافع مشترک کشورهای عضو در مقابل

انحصارات نفتی امکان پذیر می گردد. جمهوری اسلامی ایران همواره مدعی بوده است که خواهان تقویت اوپک است و بسا مواضع ارتجاعی متحدان امپریالیسم در درون اوپک مقابل می نماید. از جمله، امسال غرضی و زیر نفق ایران عربستان سعودی را متهم کرد که بیس از سهمیه تعیین شده در اجلاس قبلی اوپک نفت تولید می کند. این اتهام، از طرف مقابل نیز تکرار شد. جمهوری اسلامی در این اجلاس خواهان افزایش قیمت نفت از ۲۹ دلار به ۳۴ دلار گردید. این تقاضا در اجلاس اوپک رد شد و قیمت نفت به میزان همان ۲۹ دلار برای هر بشکه، ثابت ماند. عمده ترین مخالف افزایش قیمت نفت، عربستان سعودی بود. بدین ترتیب، حکومت ایران بار دیگر مجال یافت تا تبلیغات پر دامنه ای مبنی بر اینکه جمهوری اسلامی، در اجلاس اوپک، از منافع کشورهای عضو دفاع کرده است، و اینکه کارشکنی عربستان سعودی باعث ثابت ماندن قیمت نفت شده، براه بیندازد.

حال ببینیم ادعا و عمل جمهوری اسلامی در این زمینه تا چه حد برهم منطبق است؛ در اینکه عملکرد رژیم عربستان سعودی هیچگاه در خدمت تقویت اوپک نبوده و نیست، تردیدی وجود ندارد. حتی در سالهایسی که رژیم شاه خواهان افزایش قیمت نفت بود، نماینده عربستان سعودی بیشترین مقاومت را در مقابل افزایش بهای نفت نشان می داد. اما در حقیقت، این نه رژیم شاه بود که قیمت نفت را افزایش داد و نه عربستان سعودی. تغییر تناسب قوای جهانی به سود نیروهای ترقیخواه از جمله کشورهای در حال رشد و جنبشهای بخش ملی، و مبارزه پیشروترین کشورهای عضو اوپک، قیمت های عادلانه برای نفت را هم به امپریالیستها و هم به رژیمهای ارتجاعی در درون اوپک، تحمیل کرد. ضمن اینکه نباید از نظر دور داشت که همین رژیم ها هم، از آنجاکه تا حد بسیار محدودی منافع خود را در مقابل منافع انحصارات نفتی نمایندگی می کردند، از افزایش قیمت نفت سود بردند. عملکرد ارتجاعی ایمن رژیمها و قوتی عواقب گسترده تری از خود نشان داد، که موقعیت اوپک بحلی که قبلا بر سر مدیم در آغاز دهه ۸۰ رو به تضعیف نهاد. تضعیف همبستگی اوپک، فروش نفت به قیمت کمتر از رقم تعیین شده، تولید بیشتر از سهمیه معین در بین برخی کشورهای اوپک رواج یافت.

جمهوری اسلامی، علیرغم ادعاهای پرطمطراق خود، از " پیشگامان " دامن زدن به اینگونه اقدامات مخرب است. مهم این نیست که و زیر نفق ایران در فلان اجلاس چند ساعت را به تشریح ضرورت افزایش قیمت نفت اختصاص داد، مهم این است که رژیم جمهوری اسلامی در عمل چه می کند. در عمل، ایران نفت خود را به قیمت

"حاج آقا" در "خانه کارگر"

کارگران کارخانه " شیشه و گاز " از مدتها قبل برای تأمین زمین مورد نیاز برای مسکن، به مقامات دولتی مراجعه می کردند. دولت با بالاخره حاضر نشد زمینی را در اختیار آنان قرار دهد. ولی ناچار شد موافقت کند قطعه زمینی را در فرحزاد، به قیمت مناسب و به اقساط، در اختیارشان قرار دهد. ۱۶۰ هزار تومان نیز بابت اولین قسط آن دریافت کرد. با وجود این چندی بعد از تحویل آن سرپازد، گویا ایمن نرخ را برای معامله " خاک خدا " به صرفه تشخیص ندادند. گفته می شد قصد دارند زمینها را به نیروی هوایی واگذار کنند. کارگران برای طرح شکایت به " خانه کارگر " می روند. کوشش سپاه در جلوگیری از این کاری نتیجه می ماند. کارگران در " خانه کارگر " خود را با حاج آقایی و برومی بینند که جز تهدید حرفی برای گفتن نداشت. آنها حاج آقاراه حال خود دگداشته و به کارخانه باز میگردند تا مبارزه از راه دیگری ادامه یابد.

بسیار پایین تر از بهای اوپک، و حتی به گزارش مطبوعات خارجی تا حد بشکه ای ۲۰ دلار می فروشد. جمهوری اسلامی رسماً اعلام کرده که افزایش نرخ بیمه برای نفتکشهایی که به خلیج فارس رفت و آمد می کنند را تقبل می نماید، و این خود، باز به معنای کاهش قیمت نفت است. دولت ایران برای تشویق انحصارات اروپایی، آمریکایی و ژاپنی به خرید نفت ایران، قیمت آنرا پیوسته پایین تر می برد. لقمه عرضه شده توسط جمهوری اسلامی آنچنان چرب است که اخیراً ژاپن که پس از گسترش بحران در خلیج فارس، به نفتکشهای خود دستور داد از نزدیک شدن به بنادر ایران خودداری کند، و باره خرید نفت از جمهوری اسلامی را از سر گرفته است.

حکومت ایران، برای ادامه جنگ و برای تأمین مالی سیاست دروازه های باز که متوجه بر طرف کردن ابتدایی ترین احتیاجات کشور از بازارگران امپریالیستی است، به فروش نفت بهر قیمت احتیاج دارد، و به این منظور، حاضر است لطافت بزرگی نیز به منافع کشورهای صادرکننده نفت و اوپک وارد سازد. جمهوری اسلامی همچنین با ادامه جنگ، عراق و رژیمهای عربی طرفداران را نیز در موافقتی مشابه خود قرار می دهد، بطوریکه آنها نیز، همپای حکومت ایران، در مسابقه عرضه نفت به قیمت هرچه کمتر و به مقدار هرچه بیشتر، شرکت می کنند.

بدین ترتیب، از ادعا تا عمل حکومت جمهوری اسلامی در زمینه دفاع از منافع ملی کشورهای تولیدکننده نفت و تحکیم یکپارچگی اوپک، فاصله زیادی وجود دارد. تبلیغات، دروغها و لاف و گزافهای جمهوری اسلامی هرچه قدر هم که بزرگ باشند، باز هم قادر نیستند این ورطه را از دیده ها بیوشانند.

جمهوری اسلامی دست اندرکار روسفید کردن شاه و سیاہ

لاجوردی می خواهد از استخوان کارگران، مناره بسازد

با آنکه ایداه و آزار زنان و مسـردان در خیابانها و میادین توسط ارگانهای سرکوب از جلوه بیشتری برخوردار است، اما ارگانهای سرکوب جمـهـوری اسلامی، مانند همه حکومتهای مرتجع، مهمترین و بیشترین وظیفه خود را در سرکوب کارگران میدانند. اینک مدتهاست که در برخی از کارخانجات و مجتمع های کارگری، "دادگاههای ویژه" برپا شده است. احکام ضد بشری این دادگاهها در تعزیر کارگران فورا در همان محوطه کارخانه به اجرا در میآیند. علاوه بر دایره های حفاظت و خراست، در بسیاری از کارخانه ها، سپاه پاسداران از طریق ایجاد واحد های بسیج مستقر شده است. ولی با وجود این مبارزات کارگران، در راه کسب مطالبات خویش، گسترش می یابد. ناتوانی ارگانهای سرکوب، در کنترل مبارزات کارگری، حکومت را وادار کرده است تا هرچه بیشتر از جلا عظامی خود، اسدالله لاجوردی علیه کارگران استفاده کند. اینک در اوین در کتا زندانیان سیاسی و در کنار کارگران عضو و هوادار سازمان ما و دیگر سازمانهای سیاسی، کارگران بسیاری نیز از فعالین اعضا با ت، نمایندگان شوها و... زندانی هستند. در برابر گسترش مبارزات کارگری هر روز بیشتر از روز پیش، لاجوردی و گماشتگانش مستقیما در امور کارخانجات مداخله میکنند. روداد های کارخانه کیان تایر " یک نمونه

آست. کارگران این کارخانه پس از اینکه از همه اقدامات، مراجعات و مکاتبات خود برای افزایش دستمزد نتیجه ای نگرفتند تصمیم به اعتصاب میگیرند. سطح بغایت پایین دستمزد برای آنان غیر قابل تحمل شده بود. اعتصاب از حمایت و همراهی همه کارگران برخوردار بود. کارگران در برابر تهدیدات مدبران و ماموران عقب نشینی نکردند. در پی آن نیروهای سیاہ پاسداران وارد کارخانه میشوند. آنها کارگران را تهدید میکنند که به رگبار بسته خواهند شد. اما با وجود این کارگران ایستادگی میکنند. تا بالاخره لاجوردی در تخیم در معیت دسته ای از جلادان اوین به

بقیه در صفحه ۵
راه او، چه آنهاکه در راس حکومت نشسته اند، و چه آنهاکه در خیال خود برای رسیدن به قدرت روز شماری می کنند، عاجزند. و آن، این حقیقت است که هیچ نیروی ضد مردمی نخواهد توانست بیش از چند صباحی حکومت خود را پابرجا نگه دارد. حرف آخر راهمیشه مردم می زنند، و مردم، هم از میوه چنان انقلاب شکو همند شان و هم از قاتلان و غارتگران دیـسـروزی و "آزاد یخواهان" و "میهن پرستان" امروزی، بیزارند.

دست اندرکار بریاد دادن استقلال سیاسی، بزرگترین دستاورد انقلاب بهمن است. رژیم کنونی بر فـقـر و محرومیت مردم افزود، دست "تجـار محترم" را در غارت آنان گشود، و بجای سرمایه داران طاغوتی "نامسلمان"، بازارهای محترم "مسلمان" را نشان داد. اما بی شک، بزرگترین لکه سیاہ در کارنامه این آقایان، رسودن گوی سبقت از شاه در کشتار و شکنجه و به بنسند کشیدن فرزندان و وطن است. رژیم در "جبهه های گوناگون فرزندان مردم را قتل عام می کند. در جنگ مداخله گرانه و توسعه طلبانه علیه عراق، هزارهزار کوه دکان و نوجوانان را بروی میدانهای مین و جلولی رگبار مسلسلها و توپهای فرستند، در "جبهه" کردستان خانه ها و بیخوله های گلی را بر سر مردم محروم روستا نشین خراب می کند، و در سایر نقاط ایران هر روز جو به های دار بر می دارد و انسانها را همچنان، مقابل آتش جو خه اعدام قرامی دهد. جمهوری اسلامی دشمن آزاد اندیشی، خصم فرهنگ و سنن ملی، و مبله و



مروج لوثه قری، جهل و سببیت است. با این جنایات، مرتجعینی که در میهن ما بر مسند قدرت تکیه زده اند، به همتایان سرنگون شده خود امکان می دهند تا با نیش قیرلاشسه متعفن شاه و سلطنت، سودای بازگشت به اریکه قدرت را در سر پیرو رانند. و با و قاحت، خود و رژیم شاه را "تبرئه" کنند، و "آزاد یخواه" و "میهن پرست" شوند. بر راستی چه جنایتی از این بزرگتر که حکام جمهوری اسلامی، اسلاف خود را در قتل و آزار و سرکوب مردم روسفید کرده اند؟ اما در درک حقیقت سترگ و سرسختی که سرشاه راه سنگ کو بید، ادامه دهندگان

بقیه از صفحه اول
و انگلیسی بود. کشور را به غارتگران نفست فروخت، درهای ایران را بروی انحصارات گشود. از پابانش را به خون یغمایی که از خون مردم ایران و از غرورهای ملی شان رنگین شده بود، دعوت کرد. استقلال ملی ایران را بریاد داد. به قیمت تیرگی روابط با همسایگان ایران، خصوصاً اتحاد شوروی، کشور را به بلوک بندی های تجاوی کشاند. برای خفه کردن صدای آزادیخواهی خلق برادران، به این کشور لشکر کشی کرد. سالها به تحریک و تجاوی علیه افغانستان و عراق پرداخت. به ناسیو نالیسم و شو و نیسم و خصوصاً با خلقهای عرب دامن زد. یارو مددکار رژیم صهیونیستی اسرائیلی در جنایات و تجاواتش بر علیه مردم فلسطین و خلقهای عرب بود.

شاه میان خود و مردم، دریایی از خون ایجاد کرد. کوشید تا هر صدای حق طلبانه یل بازندان و شلاق و گلوله، خاموش سازد. قلم هارا شکست، دهان هارا بست، دسته دسته شریف ترین فرزندان خلق را به زندان انداخت. و به جو خه اعدام سپرد.

رژیم شاه، حاکمیت اقلیت بسیار محدودی از جامعه، رژیم کلان سرمایه داران و بزرگ مالکا بود. این طبقات ارتجاعی و استثمارگر، با پشتیبانی اربابان خارجی خود، چون زالو خون کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان ایران را، تا توانستند میکندند. در ازای فقر و محرومیت، بیسوادی و عدم بهداشت، بیکاری و آوارگی میلیونها تن ایرانی، طبقات و اقشار ممتاز از جیب های خود و حسابهایشان را در بانکهای اروپا و آمریکا پر کردند و به "زندگی افسانه ای" رسیدند.

مردم علیه چنین رژیمی قیام کردند. مردم می گفتند "مرگ بر شاه"، یعنی مرگ بر رژیم شاه، مرگ برو استگی، مرگ برد یکتاتوری و خفقان، مرگ بر فقر و تبعیض، مرگ بر محرومیت و استثمار شاه مرد، اما و استگی و خفقان و استثمار پاسداران توینی یافت.

مدتهاست حکام جمهوری اسلامی در راه شاه گام نهاده اند، و امروز در قاموس رهبران مرتجع حاکم، دیگر نه تنها اعمال شاه و شیوه حکومت کردن او ننگ نیست، بلکه خود آنان نیز همان اعمال و همان شیوه هارا در پیش گرفته اند، و به اعتباری، از شاه و رژیم او عاده حیثیت می کنند. "شاه" کاررو حاکم این است که آنچنان مصیبت هایی به مردم تحمیل کرد که جنایت شاه در مقابل آن رنگ باخت و رژیم روسیاه او، روسفید شد. حکومت جمهوری اسلامی، وابستگی به ارت رسیده از شاه را تحکیم کرده و

ملا آواره: "اتحاد رمز پیروزی است"



اسماعیل شریف زاده، آشنا گردید. آواره در آنجا مقالات و اشعاری در روزنامه " ارگان روز " که به زبان کردی منتشر می شد، به چاپ رساند که مضمون عمومی آنها تاکید بر روی ضرورت وحدت نیرو های انقلابی برای نیل به هدف مشترک و تحقق خواست " دموکراسی برای ایران "، خود مختاری برای کردستان " بود.

آواره در سال ۱۳۴۶ همراه با عده دیگری از یاران خود به ایران بازگشت و همراه با معینی و شریف زاده بیرق خونین جنبش راد کردستان ایران برافراشته ساخت.

اوایل تابستان سال ۱۳۴۷، او در روستای " دیوالان " مورد هجوم مزدوران رژیم شاه که تحت فرماندهی اویسی جلاد بودند، قرار گرفت و همراه یاد و تن دیگران همزمانش، اسیر گشت. ملا پیش از یک ماه تحت شکنجه شد پس در تخیمان شاه بود. آن هنگام که این مزدوران خود را در شکستن مقاومت او عاجز دیدند، برای این که در منطقه رعب و وحشت کنند، او را در برابر چشمان اشکبار مردم سردشت باد و همسنگر دیگری، در برابر جوخه اعدام نهادند. آواره در حالی که شعاری داد: " اتحاد شکست را شکست می دهد "، " اتحاد رمز پیروزی است "، " مرگ پشاه! "، " مرگ برستمگران! "، " زنده بار جنبش خلق کرد! " و " درو دیر آزادی! " با قلمی برافراشته در برابر گلوله های مزدوران شاه و امپریالیسم، ایستاد و با شهادت خود حماسی ترین شعر زندگیش را نوشت.

جنبش خلق کرد، قهرمانان بسیاری همچون ملا آواره را روانه میدانهای رزم با ستم ملی و طبقاتی ساخته است. این قهرمانان منبع الهام بوده های رزمنده کردند که با لگو ساختن آنان بی گمان مبارزه خود را داد و شاد و شاد دیگر خلقهای ایران، تا پیروزی نهایی پیش خواهند برد و همانگونه که یوغ ستم شاهنشاهی را بر گردن نیفکندند، در برابر سرکوبهای ددمنشانه جمهوری اسلامی نیز، تا پای جان، ایستادگی کرده و می کنند.

از " ملا آواره " سروده های زیبایی به زبان کردی به جا مانده که " فریاد تو تو نگار "، یکی از پرشورترین آنهاست. در این منظومه، تو تو نگاری که از ستم خانها، سرمایه داران و

جنبش مردمی در کردستان، قهرمانان بسیاری را در دامن خویش پرورش داده است که برخی از آنان هنرمندان و شاعران رزمنده ای بوده اند که آتش سلاح ادبیات و هنر انقلابی را نیز به سوی دشمنان خلق، گشوده اند. یکی از برجسته ترین چهره های این دسته رزمندگان کرد، که نهم مرداد ماه، شانزدهمین سالگرد شهادت پرافتخار اوست، بی گمان ملا آواره است. احمد شلماشی معروف به ملا آواره (مه لا تا واره) در سال ۱۳۱۲ در ده شلماش (شبه لغاش) منطقه سردشت، در یک خانوادۀ زحمتکش روستایی به دنیا آمد و ضمن کار طاقت فرسا به روی زمین، نزد پدرش ملا محمد امینی (مه شه لاشی) دروس طلبگی را آموخت.

ستمی که بر خلق کرد روا می شد و خانه خرابی و فقری که در روستا هادامن گسترده بود، خیلی زود ذهن پیدارا احمد را به تکاپو و اداشت او چاره راد نبرد بار رژیم دست نشانده و آزادی کش شاه دید، به مبارزه رو آورد و با بهره گیری از سستی مبارزاتی خلق کرد و اندیشه های انقلابی حزب دمکرات کردستان ایران به عنوان یک مبلغ توانای توده ای در روستاها، به شعله ورت کردن آتش دیرپای جنبش خلق کرد، همت گماشت. او که تحت پیگرد شدید مزدوران شاه بود، برای تبلیغ توده ای از یک روستا به روستای دیگر، و از یک منطقه به منطقه دیگری رفت، و از اینرو لقب " آواره " یافت. او با بهره گیری از فرهنگ غنی خلق کرد، مضامین تبلیغی مبارزاتی را قالب اشعاری زیبا و هیجان برانگیز می ریخت که قلبها را به تپش و امی داشت و شوق رزم رادرجان و دل نشو ندگان سروده ها، پیش برمی انگیخت.

آواره در سال ۱۳۴۱ با اعتلای جنبش خلق کرد در کردستان عراق به این دیار رفت و نزدیک به دو سال در سنگر پیشمرگه های دلاور کرد، به نبرد پرداخت و خود در عین حال که بر این مبارزه تاثیر سزایی می نهاد، درسهای بسیاری از آن آموخت که دو سال بعد، وقتی که به کردستان ایران برگشت، آنها را در این سنگر به کار بست. او در سال ۱۳۴۵ به دلیل پیگرد فاشیستی رژیم دو باره راهی کردستان عراق شد و این بار با مبارزینی چون سلیمان معینی و

یاهک کر قن هو می سه لکه وقنه
خبات ری که می ده سه لکه وقنه

رمز پیروزی اتحاد است

و مبارزه تنها راه نیل به آن

دستگاههای دولتی به تنگ آمده است، با خواندن ابیات خروشان و حماسی زیر، دیگر ستمشان را به مبارزه فرامی خواند و به آنان رمز پیروزی و راه نیل به آن را می گوید:

ای دهقانان! ای رنجبران!

ای تو تو نگارانی که رنج می برید و تنها آشیانه ای ویران، نصیب شماست!

هان برخیزید! صلاي اتحاد در دهید!

به پیکاری پیگیر روی آورید!

برخیزید که تا آخرین نفس، تلاش کنیم

و این رژیم را، از پاد راق کنیم!

رمز پیروزی، اتحاد است

و مبارزه تنها راه نیل به آن.

اگر دست در دست هم نهمیم

اگر در راه اتحاد گام نهمیم

مبارزه ما اعتلامی یابد و وانمی ماند.

نوید دهنده روز شادی

و تنها راه نیل به آزادی

کارو پیکاری و قفه است

و تلاش پیگیر و خستگی ناپذیر.

لاجوردی

کارخانه میاید. او که بیشترین دشمنی را با طبعه کارگر دارد، در پناه شلاق و مسلسل، به تهدید و توهین کارگران پرداخت. او گفت " من از استخوان شما کارگران اعتصابی، در این محل ساختمان و عمارت بر پا میکنم. او و ما موریش تک تک کارگران را به محل کار میکشاند و تولید در چنین شرایطی از سر گرفته میشود. اینک ادامه تولید با حضور و کنترل مستقیم سپاه پاسداران صورت میگردد.

در شرکت " خوراک " همراه با

حذف برخی مزایا، قسمتی از حقوق کارگران را کم کرده اند. این مبلغ سهمیه جیره غذایی کارگران بود که حذف شده است. مدیریت به اعتراضات کارگران توجهی نمی کند. کارگران نیز مقابل دست به کم کاری زده اند.

در کارخانه خود در سازمان کارگران برای دستیابی به حقوق خود دست به اعتصاب می زنند. این اعتصاب در روز به طول می انجامد.

کارگران، ایستادگی میکنند

احفافات علیه کارگران و سرقت از دستمزدها چیز آنان تنها به این کارخانه منحصر نیست. در همه جا کارفرمایان و مدیران به چپا و لگری بی بند و بار آمد کارگسگران پرداخته اند.

گزارشی از اوین، (۳) آوردگاه شرف انسانی و درنده خوبی حیوانی

بازجویی و شکنجه

بازجویی در اوین به کرات صورت می‌گیرد. گاه تو فکرمی کنی که دیگر دوره بازجوئیت به سر رسیده، ولی ناگهان پاسداری در سلول یسا " اتاق " راباز کرده و ترا با خود می برد تا دوباره بازجویی پس بدی. بعضی اوقات، بیین بازجویی های اولیه و بازجویی های بعدی، بیش از يك سال فاصله می افتد و گگاه زندانی هرروز ناچار است بازجویی پس دهد. عوامل زیرداری روند تاشیری می گذارند: کیفیت پرونده، اهمیت که يك جریان سیاسی در يك مقطع برای رژیم پیدامی کند، میزان اطلاعاتی که نسبت به متهم وجود دارد، اطلاعاتی که بعد از بازجویی به دست رژیم می رسد، نحوه رفتار شخصی در زندان (که باید با داستانی که در بازجویی می سازد و مجموعه محملهای شخصی، همخوانی داشته باشد)، تناقض های کینه احياناً بازجویی تواند در پرونده متهم پیدا کند و بالاخره میزان تراکم کار دراوین.

من با توجه به جمع بندی ای که از تجربیات دوستان و رفقای هم بندم، به عمل آورده بودم، حدس می زدم که در بازجویی بازجویی مجدد، به سراغم بیایند. امیدم بر آن بود که تحقیقات بیشتر آنها نتیجه ای نبخشد و من بتوانم با تکرار حرفهایی که در " ساختن قرمز " و بازجویی های اول زده بودم، ذهن آنها را از قضایای اصلی، به کلی منحرف سازم و داشتن هرگونه ارتباط تشکیلاتی را، منکسر شوم.

حدس من درست درآمد. شك قوی آنها نسبت به من و در عین حال نداشتم مدرک و این که من همه چیز را منکر شده بودم، آنان را بر آن داشت که مجدداً احضار کنند و مرا به سلولهای تنگ، تاریک و نمناک بند ۲۰۹ بفرستند. سئوالات همیشگی، این بار به صورت غلیظ تر و با تهدیدات پر آب و رنگتری، تکرار شد. من این بار، به دلیل این که با جو زندان آشنا شده و مقداری تجربه کسب کرده بودم، باخونسردی بیشتری به این سئوالات، پاسخ می دادم. در جریان بازجویی بی بردم - از آن جهت که نسبت به انجام "قرايی" در زندان بی توجه بودم و کوشش می کرده ام به شکلهای مختلف به دیگران روحیه بدهم - شك آنها نسبت به من قویتر شده است و این دفعه بارید ثو لویك سئوالات را غلیظ تر کرده اند.

بازجویی یا شکنجه همراه بود با ابتدا ایا مشت و لگد سرگارد اشته و بعد با شلاق. در مدتی که در سلولهای ۲۰۹ گرفتار بودم و مواقعی که مرا به " دادستانی " می بردند، چه در رابطه با خودم و چه در رابطه با دیگران

توانستم به مفهوم دقیق و عینی " تعزیر " در قاموس رژیم، پی ببرم. در ساختن دادستانی اوین، به جرأت می توان گفت که تنها پاسداران و مسئولین زندان بودند که می توانست روی پای خود، راه بروند. در این ساختن و نیز در سلولهای ۲۰۹، اکثر زندانیان، بویژه زنان زندانی، از فرط شکنجه نمی توانستند سر پایایستند و چهار دست و پا راه می رفتند.

شکنجه در اوین به شیوه های مختلفی صورت می‌گیرد و به لحاظ شدت و میزان تکرار، هیچ حد و مرزی نمی شناسد.

معمول ترین شیوه " تعزیر " استفاده از شلاق است. شکنجه گران با بهره گیری از تجربه اسلاف ساوکی خویش و نیز تجربه شخصی خودشان، پی برده اند که شلاق زدن، یکی از مؤثر ترین شیوه های شکنجه است. برای شلاق زدن، کهنه ای را در دهان زندانی فرو می کنند، بعد کلاه جوراب مانند ای را که تا پاییین گلو می آید، روی سر آدم می‌کشند و سپس فرد را روی يك تخت فنری می خوابانند. شلاق زدن، در موارد زیادی ساعتها ادامه می یابد، يك شکنجه گروقتی خسته می شود، جای خود را به دیگری می دهد. زندانی با رها در زیر تازیانه بیپوش می شود. او را مجدداً به هوش آورده و تعزیر را ادامه می دهند. گاه فرد شکنجه دیده، به آستانه مرگ می رسد. در این حال، او را فوراً به بهداری منتقل می کنند تا برادر شیخ " نجاتش " دهد و برای تحمل شکنجه های بعدی آماده اش سازد. من به چشم خود، بسیار کسان را دیده ام که انگشتهای پایشان کاملاً خرد شده و در مواردی افتاده بود، ولی همچنان به مقاومت دلیرانه خود، ادامه می دادند.

دراوین، دستبند چپانی، يك شکنجه پیش پا افتاده است؛ چك چك مداوم آب پرروی سر را خیلی ها تجربه کرده اند؛ دست و پا و شکم و پشت خیلی ها، با منقل برقی و یا آهن گذاخته سوخته شد؛ فاست، خیلی ها طناب و شال گردن، آنقدر بر گلوشان فشار وارد کرده که تا حد خفگی پیش رفته اند؛ ناخنهای بسیاری از زندانیان کشیده شده؛ خیلی ها هستند که فك، دنده ها، قفسه سینه و استخوانهای دست و پایشان، بر اثر شدت ضربات وارده، شکسته و خرد شده است؛ بسیار کسان هستند که يك تا چند بار " مصنوعاً " تیرباران شده اند، و بالاخره بسیارند آن دسته از فرزندان خلق، که در زیر شکنجه، جان بر سر پیمان نشان نهاده اند. در ساختن " دادستانی " و " اتاقها " و سلولهای مخوف اوین، پاهای تازانو چرك کرده،

ناخنهای ریخته، استخوانهای شکسته و چشماهی پراز خشم از خدقه درآمده، با توست از دو چیز حکایت می‌کنند: مقاومت و جنایت، شرافت و ذالت، پایمردی و سبعبیت، عشق به خلق و کینه نسبت به انقلاب. اوین به راستی آوردگاه شرف انسانی و درنده خوبی حیوانی است.

محاکمه

نحوه " محاکمه " در بیدادگاههای رژیم خیلی ساده است. می آیند تو را از درون اتاق " تعزیر " با تاق " دادگاه " می برند که در آن در يك حالت خیلی تشریفاتی و رسمی " قاضی " و " دادستان "، تنگ بغل هم نشستند (تشریفاتی از آن نظر که گاه " دادگاه " خیلی ساده تر برگزار می شود؛ بازجو در همان اتاق " تعزیر " حکم حاکم شرع را به دستت می دهد؛)، بعد پرونده ات را که حاوی اظهارات بازجوی شکنجه گراست، جلوی آنها می گذارند. حضرات تو را برانداز کرده و سپس پرونده را ورق می زنند و معمولاً به جملات آخر نظریه بازجو، نگاهی می اندازند و بعد برای خالی نبودن عریضه، می پرسند: " مال کدام گروهک هستی؟ "، آنگاه بر مبنای تعلق سازمانی و گرایش سیاسی واید ثولویك تو، احياناً یکی دو سؤال دیگر کرده و به دنبال آن کلماتی همچون " باغی، محارب، مرتد، ملحد، کافر... " را ردیف می کنند. بعد از دقیقه حکم بیدادگاه، اعلام می شود، حکمی که به هیچ رو اعتراض پذیر نیست.

دراوین - مثل بقیه شکنجه گاهها - " قاضی " دادستان، " دادیار "، " بازجو "، " شکنجه گر "، " جلا د "، " جوخه "... عنوان تشریفاتی نه ای نیستند و صاحبین این عناوین، خیلی راحت جایشان را با هم عوض می کنند و بر همین اساس، چه بسیار پیش می آید که اتاق " دادگاه " فی المجلس به " تعزیرگاه " تبدیل شود (و بالعکس) و خود دادستان و یا حاکم شرع در تظگاه حاضر شده و تیر خلاص را شلیک کند.

دراوین، حاکم شرع اصلی، گیلانی جنایتکار است و دادستان، لاجوردی خونخوار. این دو جلا د، با اعوان و انصارشان (مشتکی آخوند ریز و درشت با عنوان حاکم شرع و تعدادی ددمش - که خیلی هایشان بازاری هستند - یا عناوینی مثل دادیار و...) در مجموع نمایندگانی " قوه قضائیه " دراوین هستند. همگان وصف کینه حیوانی لاجوردی نسبت به انقلابیون و عطش گیلانی به کشتار و خو سردی او در هنگام دادن حکم اعدام، را شنیده اند و لذا من نیازی به توصیف بیشتر این دو خون آشام، نمی بینم.

اگر " دادگاه " حکم به تیرباران و یا حلق آهز کردن بدهد، خیلی زود به اجرا در می آید و قطعیت تام دارد. اگر حکم صادره، محکومیت به زندان باشد، معمولاً فاقد قطعیت است. چند روز بعد از صدور حکم، ممکن است شخص رادوباره احضار کنند و مثلاً ۱۰ سال را به بقیه در صفحه بعد

گزارشی از اوین

بقیه از صفحه قبل

حسابداری و اعداد، تبدیل سازند. خیلی ها در تمام طول اسارتشان در اوین به "دادگاه" فرستاده نمی شوند. برخی افراد، بین زمان دستگیری و "دادگاهشان"، حتی بیش از دو سال، فاصله می افتد. بعضی ها هستند که وقتی به "دادگاه" می روند، مات و مبهوت می شوند، چرا که می بینند در پرونده شان، "اتهاماتی" وارد شده که کاملاً "نجسب" است و حتی به نظرشان می رسد که پرونده شخص دیگری را به جای پرونده آنها، به دادگاه فرستاده اند.

خیلی از اوقات، احکام صادره از جانب "دادگاه"، تابع اتفاقاتی می شوند که در عرصه سیاسی جامعه و در پیرویه حرکت يك سازمان سیاسی، رخ نموده اند. خیلی از اوقات، به دنبال بروز يك جهش در حرکات اعتراضی مردم، همین دست به کاری شود، "دادگاه" پر سر و صدایی به راه می اندازد و دهها نفر را به جوخه اعدام می سپارد.

در اوین، يك زندانی در تمام طول اسارتش، در يك قدمی جوخه اعدام، ایستاده است. حتی فردی که قرار است امروز از زندان آزاد شود، نیز نباید تعجب کند اگر ببیند او را به جای هرخص کردن، سینه کش دیوار گذاشته اند. جزئی ترین درگیری با يك پاسدار، ممکن است باعث شود، حکم متلاش ماه زندان به اید و یا اعدام، تبدیل شود. هر حرکت اعتراضی ممکن است، شورش قلمداد گردد و حکم تعدید مدت محکومیت و یا تیرباران را به دنبال داشته باشد. حتی پیش می آید که يك پاسدار از کسی خوشش نیاید و خیلی راحت، ترتیبی دهد حکم "دادگاه" سنگین تر شود. پاسداران در زندان، همواره به این قدرت خود برای اعمال نفوذ در حکم "دادگاه" می بالند. آنها برای ایجاد رعب و وحشت، با آبیوتاب تمام تعریف می کنند که چگونه چندین حکم اعدام را شخصاً از "حاج آقا" (لاجوردی جلاد) گرفته اند. یکبار یکی از آنها برای این که از بچه های "اتاق" ما زهر چشم بگیرد با وقاحت بی نظیری می گفت: "ترتیب دادن حکم اعدام برای شما کافرها ثواب دارد! اما ثواب آنوقت بیشتر می شود که بعد از گرفتن حکم اعدامتان، خودم تیر خلاصتان را بزنم!" پاسدار دیگری که "علی" صدایش می کردند و اهل ملایر بود و قدم متوسط، جسته لاغر و چشمان خون گرفته ای داشت، با افتخار تمام و با حالتی هیستریک تعریف می کرد: "خودم تا حالا ترتیب ۲۷ نفر را داده ام" و بعد با آب و تاب شرح می داد که چه کسانی بعد از تیرباران شدن، خیلی دیر جان داده اند. (ادامه دارد)

بنیادی به نام "مستضعفان" و به کام "مستکبران"

بقیه از صفحه اول

مستغلات، و در عین حال مقدار قابل توجهی طلا و جواهر ۰۰۰ و مقدار زیادی عتیقه موجود است."

(سرپرست بنیاد مستضعفان، اطلاعات ۱۷ بهمن ۶۲)

موسساتی که به وسیله این بنیاد اداره میشوند بر مبنای تقسیم بندی خود حکومت، چهار نوع میباشند:

۱- مصادره شده قطعی که کاملاً در اختیار این بنیاد است و بنیاد حق انتقال آنها را بطور قانونی در دست دارد.

۲- توقیف شده، اموالی که توقیف شده ولیکن دادگاهها وضعیت مالکیت آنها روشن نکردند.

۳- نظارت و سرپرستی، اموالی که توقیف و مصادره نشده ولی به علت فرار و یا غیبت صاحبان آنها بوسیله این بنیاد اداره میشود.

۴- نظارت مالی، شامل واحدهایی که این بنیاد حق هیچگونه دخل و تصرفی در آنها ندارد.

این بنیاد طی سالهای گذشته نقش نگهبان اموال بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران را ایفا کرده است. اموال ردیف های ۲ و ۳ در شرایط مساعدی که با خیانت رهبران جمهوری اسلامی فراهم گردیدند از "بلا تکلیفی" نجات پیدا کرده و اکثراً به صاحبان اولیه آنها بازگردانده شده است. آمار دقیقی از بازگرداندن این اموال در دست نیست، بر اساس گفته قاضی القضاة حکومت "چهار هزار قلم" از این اموال تا دی ماه ۶۲ به بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران برگردانده شده است. (مسو سوی اردبیلی صبح آزادگان ۲۸ دی ۱۳۶۲)

بخشی از واحدهای مصادره شده که قبلاً "قطعی" بودن آن مورد تأکید و تأکید حاکمیت قرار گرفته بود، نیز به صاحبان اولیه آنها بازگردانده شده است. بنیاد نگهبان و حافظ اموال غارتگران، علاوه بر نگهداری اموال (۱)، ضرور زیان وارد به آنها را نیز تادیه میکند و در حقیقت "جریمه" مصادره می پردازد. يك نمونه را خود سرپرست این بنیاد مطرح کرده است:

"در سال ۵۸ خانهای به ارزش يك میلیون تومان مصادره شد و جهت خانه سازی برای زلزله زدگان گلپایه طبیس ب فروش رسید و امسال بعد از ۵ سال، از خانه این شخص رفع مصادره شد و حالاً صاحب خانه خواستار همان خانه از بنیاد است." در حالیکه آن خانه در سال ۵۸ يك میلیون تومان ارزش داشت و امسال قیمت (آن) به ۵ میلیون تومان رسیده است. این مقدار قابل توجه از کجا باید تأمین و پرداخت شود؟"

(سرپرست بنیاد مستضعفان، اطلاعات ۲۹ خرداد ۶۳ تأکید از ماست)

بخشی از اموال مصادره شده نیز چسب و حراج خورده است. سرپرست بنیاد دامنه اینس

حراج را محدود به واحد های کوچک اعلام کرد. ه و میگوید:

"عمدتاً بخش های املاک و مستغلات، باغات کوچک زیر ده هکتار، کارگاههای تولیدی و غیر تولیدی محدود، پمپ بنزین ها و شرکت های غیر که حجم کارشان کم است و برای رسیدگی به امور مستضعفان (۱) نیازی به اداره آنها نیست شامل طرح خانه تکانی میشوند." (اطلاعات ۲۹ خرداد ۶۳)

اما وقتی وی اضافه میکند:

"از کل واحدهای بنیاد در سراسر کشور بیش از دویست واحد ۰۰۰ نگهداری میشود و ما بقی به تعاونی ها، بخش های مردمی و خصوصی واگذار میشود." (همانجا) میتوان به دامنه این سیاست خائنه حکومت پی برد.

این سیاست ضد ملی و خائنه چنان انکاس گسترده اجتماعی داشته که خان هم به شوری آش آن پی برده است. سرپرست بنیاد میگوید:

"بنا بود خدمتگزار مستضعفین باشیم ولی مشخص نبودن وضع اموال توقیفی بنیاد را در خدمت کسانی قرار داده که اموالشان مصادره شده و اضافه میکند:

"اخیراً مشاهده شده حکم به رفع مصادره میدهند و آنها به صاحبان اصلی اش پس داده میشود. اما بار دیگر متذکر شویم این احکام هیچ ربطی به بنیاد مستضعفان ندارد و قضاة قضائیه است که حکم مصادره یا رفع مصادره را می دهد." (همانجا)

رئیس ریویز عالی کشور نیز چندی پیش ظاهراً خود را بی خبر نشان داد و در خطبه نماز جمعه گفت:

"بعضی از فراریها سروکله شان پیدا شده و برگشته اند، مثل اینکه امان نامه گرفته اند. چه خبر شده که همه مدعی شده اند که شرکت، پول، باغ حق و حقوق عقب افتاده مرا بده." (جمهوری اسلامی ۱۵ اردیبهشت ۶۳ - تأکید از ماست)

خیانت رهبران جمهوری اسلامی به اهداف انقلاب بهمن، نهادی را که مدعی بودند در خدمت مستضعفان قرار خواهد گرفت "در خدمت کسانی قرار داده که اموالشان مصادره شده است." در خدمت کلان سرمایه داران و بزرگ مالکانی در آورده است که اینک گروه گروه به ایران بازگشته "اموال شرعی" خود را پس میگیرند. و در این میان حکومتگران به سیاست عوام فریبانه و بازی "کی بود؟ کی بود؟ من نبودم" روی آورده اند. حکومتگران روی برپا شده از خلق در هراس از سرنوشت محتوم این حکومتها، خود را بی خبر از "ماجرای" و میرا از این خیانتها نشان میدهند مردم آگاه قریب این "نمایشها" را نمیخورند.



در حاشیه

استغفار

هاشمی رفسنجانی :
" خصوصاً ما با آمریکا بخاطر دشمنی‌های بی‌استی که آمریکا با ما می‌کند ... جنس آمریکایی راهم مادر ایران تحریم نکردیم . بسیاری از ماشین آلات و ابزار در ایران آمریکایی است و اینها نیاز به قطعه آمریکایی دارد . این هواپیماهای اف ۱۴ ها و هواپیماهای اف - ۴ و اف - ۵ ، سیستم هاگوسیستم راداری سفور و این چیزها ید یگر طبعاً اینها قطعه لازم دارد و بعضی چیزهاست که مانعی تو انیم تهیه کنیم ممکن است دست دوم و سوم بگیریم آمریکایی باشد و ممکن است یک شرکت با یک شرکت اروپایی معامله کند ما از او بگیریم . ماهیچ خود مان را ممنوع نکردیم که جنس آمریکایی رایک جایی دیدیم حتی داخل آمریکا نخیریم . " (جمهوری اسلامی - ۲۵ تیر)

وعدۀ بهشت به انحصارات صنایع نظامی و دلالان آنها

حسین روحانی رییس کمیسیون دفاع مجلس شورای اسلامی :
" با هر تیریری که رهائی شود ده نفر به بهشت می روند آن کسی که آن تیر را ساخته است . دو می آنها می هستند که با همه توان رزمنده را تجهیز کرده اند تا او بتواند تیر و گلوله استفاده کند سو مین آن کسی است که تیر را به سوی دشمن می فرستد . " (جمهوری اسلامی - ۲۳ تیر)

صدور "انقلاب" در اجلاس ورزشی

خرمی دبیر کمیته المپیک ایران بعد از بازگشت از ۲۴ مین اجلاس آکادمی بین المللی المپیک :
" در صحبتهایی که در کمیسیونهای ویژه مطرح شد ، با نمایندگان کشورهای اشتیم نماینده قطر می گفت : که مادر کشور رهان پسر هائی توانند شورت کو تاه ببوشند و باید حتماً با لباس آستین بلند باشند که من گفتم : مشکلی است که شما دارید شاید در رابطه با فرهنگتان باشد . او جواب گفت : بچه های ما خجالت می کشند . من گفتم : درست است که ورزش خواهان و برادران ما جدا شده است . اما امکاناتی در اختیار خواهان رهانمان می باشد که بطور مجزا است و آنها ورزششان را بر احتی انجام می دهند و لباسهای ورزشی راهم همانند که مقررات اسلام اجازه می دهد می پوشند که زیاد هم با لباس شامافرقی نمی کند . نماینده قطر گفت : مانعی تو انیم و ورزش زنان داشته باشیم به او گفتم که مسادر

کشورمان این مشکل را حل کرده ایم چرا که ورزش آنها را با مردان مجزا ساخته ایم . معتقدیم آنطوریکه در ورزش دنیا مرسوم است و دخترها و پسرها مختلط هستند این موضوع یکی از مسایلی است که انحراف راد ورزش پیش می آورد . " (کیهان - ۲۴ تیر)

یک راه حل بی نظیر!

نماینده خرم آباد :
" دردی که کارمندان دولت بر اثر کمبود حقوق می کشند در مقابل اغراضی نیست ، باید راه حل ارابه داد ، و مطمئناً راه حل اضافه کردن حقوق نیست ، باید با زیان خوش این قشر مظلوم جامعه را حمایت نماییم . " (جمهوری اسلامی - ۳۱ تیر)

طلب آخرت

صاحب الزمانی نماینده اورمیه :
" از اینکه مال و ثروت به دست صالحان و شایستگان باشد اسلام ناراضی نیست ، بلکه مومنان را تشویق می کند به ثروت انداختن و امکانات فراهم کردن تا بداند وسیله نیازهای اجتماعی بر طرف گردد و آنرا نوعی طلب آخرت می دانند . " (اطلاعات ۲۷ تیر)

کجا داند حال ماسکباران ساحلها

خامنیه ای :
" مردم در بهشت مصفایی از صفای زندگی و تنفس می کنند مبادا با حرفمان و کارمان و حرکتمان و اختلافمان و اختلاف افکنی مان و با توجهات ناشایستمان مردم را از این بهشت مصفا که دارند زندگی می کنند خارج کنیم . " (کیهان - ۷ تیر)

بازار بهشت

امام جمعه بهشهر :
" در بهشت بازار است که در آن بازار ، خرید و فروش نیست و جنسهای معمولی در آنجا عرضه و تقاضای می شود . در آن بازار به هر صورتی که نگاه کردی و هر شخص خوبی که در نظرت آمد ، بلافاصله و بدون محطلی ، در مقابلت حاضر می شود . " (جمهوری اسلامی - ۲۳ تیر)

۷۰ خوری با چشمان سیاه

در روز ۱۵ اردیبهشت ماه سال جاری ، در بهادگان لویزان ، یکی از روحانیون اداره سیاسی - ایدئولوژیک ، برای ۲۰۰۰ سربازی که جدیداً به خدمت اجباری فراخوانده شده بودند ، از مواهب بهشت صحبت می کرد و این که در " آنجا ، برهبریک از شما ، که در جنگ با صدامیان کافر شهید شوید ، ۷۰ خوری با چشمان سیاه در نظر گرفته اند ! " (جمهوری اسلامی - ۲۳ تیر)

یکی از سربازان جسورانه پرسید :
" حالا که این طور به پس چرا خودت در جلو تر حرکت نمی کنی ؟ " آخوند مذکور که از این

سؤال جاخورده بود ، با وقاحت تمام پاسخی داد : " آخر من باید باشم تا به شماره و حیسه ید هم و رهسپار بهشتان کنم ! "

در حاشیه حرفهای لاجوردی خونخوار پیرامون ورزش در زندانها

" قبلاً ما فاقد استخر برای زندانها بودیم (البته یکی در اوین داشتیم که آنرا به محل تیرباران کردن جمعی انقلابیون اختصاص دادیم) و برادران زندانی را جهت شنا به استخرهای بیرون اعزام می کردیم (یعنی چون استخر کذایی اوین دچار ازدحام شده بود ، از تپه های اوین نیز برای تیرباران کردن زندانیان و شناور ساختن انقلابیون درخونهای خود دشمنان استفاده می کردیم) اسهال به حمد پروردگار تو انستیم استخری در داخل برای شنا احداث کنیم (چرا که واقعا سرمان شلوغ شده است . هر چه اعدام می کنیم باز دست بر نمی دارند) این استخر هم اکنون هر روز مورد استفاده زندانیان می باشد (آخر ما روزی نیست که عده ای را اعدام نکنیم) البته در مورد ورزشهای دیگر از امکانات بیرون استفاده می کنیم " (از همگان تپه های اوین و نیز از جراثقال آخر من به دوازدهم خیلی علاقه دارم .) (آزادگان - ۲۵ تیر)

معنای واژه "کاهش"

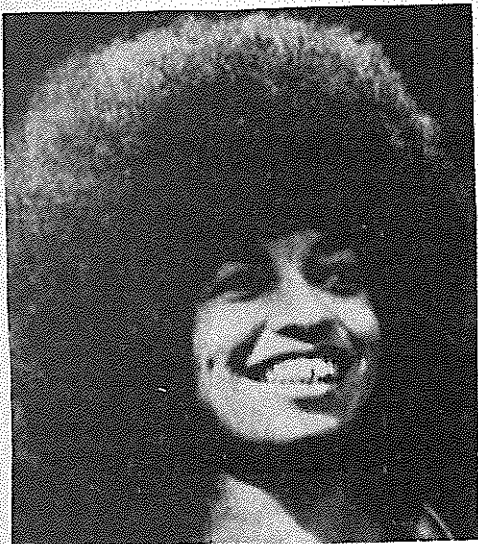
بخشی از مصاحبه معاون بازرگانی وزارت بازرگانی با خبرگزاری جمهوری اسلامی :
س - کیفیت کاهش واردات کالا از آلمان تاکنون چه اقداماتی در زمینه روابط اقتصادی ایران با آلمان و ژاپن انجام داده است ؟
ج - " وزارت بازرگانی ضمن اعتماد به لزوم هماهنگی بین روابط بازرگانی و سیاسی ایران و سایر کشورها ، چنانچه این کشورها با ما روابط سیاسی دوستانه و خوبی داشته باشند ، هدف ما توسعه روابط در همه زمینه ها ، از جمله روابط بازرگانی با آنهاست . " (آزادگان - ۲۸ تیر)

گنشر در بازگشت از ایران



گنشر وزیر امور خارجه آلمان فدرال وینیا مبرکنفرانس سران هفت کشور امیریا لیستی در لندن ، در حالی که کیسه فارنگری را از عطایا یرهبزان جمهوری اسلامی آکند ساخته است ، بهین بازمیگرد (کاریکا تورا ز طبیعت آلمانی)

مصاحبه رفیق آنجلادیویس، عضو کمیته مرکزی و کاندیدای حزب کمونیست آمریکا برای احراز مقام معاونت رئیس جمهور



مسائل نقش تعیین کننده ایفا می کند، حزبی که نه تنها بر نقاط ضعف فاحش سیاست حزب جمهوریخواه و دولت ریگان انگشت می گذارد، بلکه همچنین به مردم نشان می دهد که چگونه می توان به راه حل های واقعی دست یافت. در این رابطه، ماهه مردم اطلاعاتی را که بسیاری اعمال فشار بر هر کس که انتخاب خواهد شد، لازم دارد، آرایه می دهیم، تا بتوانیم تضمین کنیم که نه تنها ریگان و حزب جمهوریخواه، بلکه همچنین سیاستی که باد و لت ریگان گسره خورده، شکست بخورد.

حزب کمونیست تنها نیرو در سراسر صحنه سیاسی انتخابات است که می کوشد با این ادعا که گویا اتحاد شوروی متشا خطر جدی برای بشریت است، مقابله کند. تا وقتی مردم باارجمت این تبلیغات را که دولت ریگان انتشار می دهد باور کنند، قادر نخواهند بود با نقش ایالات متحده آمریکا در مسابقه تسلیحاتی، که ما را هر چه بیشتر در جهت نابودی هسته ای سوق می دهد، با قدرت مقابله کنند.

کنده، تعداد زیادی از کامیونتهای روستایی با بازار کرد و فروخت. تعدادی دیگر به آنتیسمان زنیغود در روزارخانه و مقامات بلند پایه آن، هدیه داده شدند.

این شرکت چند هزاراننده و کارگرو کارمند در اختیار داشت. مدیران تصابی برای جلوگیری از زیان، شرکت اخیراً حقوقی پایه کارکنان را تنزل داد. در برابر اعتراضات کارکنان، وزارت بازرگانی به حمایت از مدیرمجبوت برمی خیزد. اما کارکنان بخش حسابداری شرکت، در اعتراض به عملکرد و تصمیمات مدیریت، به کم کاری دست می زنند. تشبثات مدیرکلش برای آرام کردن او ضاع به نتیجه ای نمی رسد. او توسط یکی از کارکنان به یادکنت گرفته می شود. اینک قرار شده است این شرکت به "مردم" واگذار شود.

حزب کمونیست آمریکا در این مبارزه انتخاباتی مورد تاکید قرار خواهد داد، اشاره کنید؟

پاسخ: مساله اشتغال، مهمترین موضوع سیاست داخلی است که سایر موضوعها را تحت الشعاع قرار می دهد، چراکه هنوز میلیونها انسان بیکارند، بخصوص جوانان سیاهپوست که ۵۰ تا ۷۰ درصد آنها از داشتن کار محرومند. مبارزه برای اشتغال، از اهمیت مطلق برخوردار است. ایجاد اشتغال، مستلزم کاهش بزرگ مقیاس بودجه نظامی و برقراری ۶ ساعت کار در روز بدون کسری دستمزد می باشد.

بیکار در راه ترمیم و گسترش شبکه رفاهیه که دولت ریگان علیه آن دست به کارزار زده، و نیز مبارزه برای ایجاد موسسات رفاهی نوین، در پیوند تنگاتنگ با مبارزه برای ایجاد اشتغال قرار دارد.

در برنامه ما، همچنین قطع فوری کلیه تجاوات امپریالیستی در آمریکای مرکزی و خاور نزدیک، پایان بخشیدن به سیاست پشتیبانی از رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی و خاتمه بلافاصله مسابقه تسلیحاتی، خواسته شده است.

سؤال: شما و گس هال علیرغم آنکه روی انتخاب شدن خود حساب نمی کنید، وارد کارزار انتخاباتی شده اید. چرا با این وجود، کاندیداهای حزب کمونیست در انتخابات شرکت می کنند، و برای مردم چه دلیلی برای پشتیبانی از آنها یا امضای لیست بمنظور گنجاندن آنها در فهرست نامزدها وجود دارد؟

پاسخ: به این دلیل که ما به حزب کمونیست به مثابه بخشی از جبهه متحد خلق می نگریم که می تواند دولت ریگان را ساقط کند. ما خود را حزبی می دانیم که در تو ضیح

بقیه از صفحه اول.

پراهمیت قلمداد شد. اما واقعیت این است که حزب کمونیست آمریکا از سالهای پیش، در انتخابات ریاست جمهوری، رفیق آنجلادیویس را به همراه دبیرکل حزب، رفیق گس هال، کاندیدای ریاست جمهوری است، به این سمت برمیگزینند. امسال نیز آنجلادیویس مبارز برجسته در راه کسب حقوق سیاهپوستان و زنان در ایالات متحد آمریکا، کاندیدای حزب خود است. وی در مصاحبه ای به سئوالات "دیلی ورلد" ارگانی حزب کمونیست آمریکا پاسخ داده که خلاصه ای از آن، بدین شرح است:

سؤال: نظر شما درباره نقش کارگران سیاهپوست در این مبارزه انتخاباتی چیست؟

پاسخ: به عقیده من، کارگران سیاهپوست در این مبارزه انتخاباتی نقش تعیین کننده ای ایفا می کنند. بدیهی است که آنها از عواقب یورش عمو می به طبقه کارگر، از بیکاری، زیر ضرب قرار گرفتن دستاورد های اجتماعی و غیره رنج می برند. اما در عین حال، آنها مصایب ناشی از تبعیض نژادی در میزبان دستمزد هارانیز به دوش می کشند. درآمد خانواده های سیاهپوستان تنها ۵۵ درصد درآمد خانواده های سفید پوست است. علاوه بر این، عواقب انحلال عملی "کمیسو نهایی حق شهروندی" نیز دامنگیر آنان است.

بهمین دلیل، من فکری کنم که کارگران سیاهپوست بهتر از هر گروه دیگر از مردم معنای واقعی یورش دولت ریگان را که به سبب انحصارات است، درمی یابند.

سؤال: آيا می توانید برخی از مسائل عمده ای که شما و گس هال بعنوان کاندیدای

جلوه ای از این سیاست شوم است. این شرکت که نام آن به شرکت "حمل و نقل هیهزه" تغییر یافته است، متعلق به غلامرضا پهلوی فراری بود و همه سرمایه آن از طریق اخذ وام از بانکها تأمین شده بود. این شرکت پس از انقلاب تحت سرپرستی وزارت بازرگانی قرار گرفت و اکنون مدتهاست که تحت مدیریت شخصی بنام محسنی دوست قرار دارد. این شخص کلاش که فاقد هرگونه صلاحیتی برای اداره این شرکت است، از طریق حضور آشنایانش در وزارت بازرگانی این سمت را به چنگ آورد. او چنان از درآمد ها و اموال این شرکت تاراج کرد که اینک دیگر کمتر چیزی باقی مانده است. نتیجه این شد که از تعداد هزاران کامیون و تریلی این شرکت اکنون تنها ۷۰۰ عدد آن باقی مانده است.

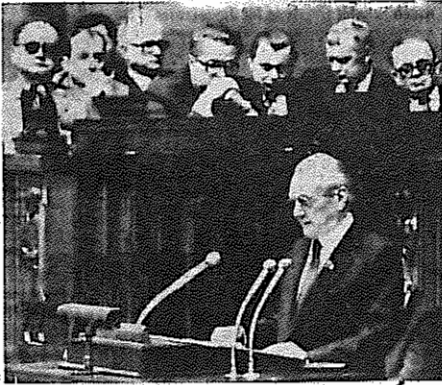
آقای مدیر برگزیده وزارت بازرگانی، صاف و پوست

واحد های دولتی چگونه ضرر می دهند

شاه بیت بخایت قدیمی مدافعان سرمایه داران اینست که دولت تاجر و مدیر خوبی نیست و واحدهای دولتی ضرر می دهند. در جمهوری اسلامی نیز از همان فردای انقلاب نمایندگان و دوستان سرمایه داران و ملاکین این حدیث کم، نه را تکرار کردند. آنها در حالیکه کنترل واحدهای دولتی و صادرات را قبضه می کردند، با خرابکاریها و زدیهای خود، این واحدها را به سمت ورشکستگی می راندند. واحدهای ویران کرده شده را به نمایش می گذاشتند تا راه را برای "خانه تکانی" و واگذاری بقیه به تجار و متکین مسلمان هموار سازند. سرنوشت اسفنا بار شرکت "ایران سرعت"

لہستان سوسیالیستی ۴۰ سال پس از تاسیس جمهوری توده‌ای

چرخ تاریخ رانمی توان به عقب برگرداند!



تیخونوف در حال سخنرانی در مراسم چهلمین سالگرد تاسیس جمهوری توده‌ای لهستان

ملی به میزان ۲۵ درصد امکانات فعلی ما را محدود می‌سازد. در سالهای گذشته، کمبودها و بی‌تناسبی‌های زیادی روی همانباشته شده‌اند، بخصوص در زمینه مسکن، آموزش و فرهنگ، حفظ محیط زیست، امکانات فنی و تکنولوژیک و ۲۰۰۰ در کشورها سرمایه‌داری برای حل بحران نخست به کاهش چشمگیری بودجه مربوط به رفاه اجتماعی، آموزش، فرهنگ و بهداشت روی آورند. مادر لهستان، چنین راهی در پیش نخواهیم گرفت.

لهستان سوسیالیستی، به کمک اتحاد شوروی و سایر کشورها برادر، راه‌گشا، برادر، برادران به سود زحمتکشان و به سود استقلال و تعامیت کشور را در پیش گرفت. احتیاجات لهستان در زمینه‌های مختلف از سوی سایر کشورها سوسیالیستی برآورده می‌گردد. ۱۰۰ درصد

واردات نفت، گاز و آهن لهستان، ۷۶ درصد و واردات سنگ آهن، ۸۵ درصد واردات کبود پتاسیم، ۹۰ درصد و واردات پنبه و ۸۴ درصد واردات سلولز این کشور راتحاد شوروی تأمین می‌کند. یک سوم احتیاجات لهستان در زمینه ماشین‌آلات و تجهیزات فنی، در سال ۱۹۸۳ توسط اتحاد شوروی برطرف گردید. ۵۷ درصد صادرات لهستان در این سال، به اتحاد شوروی بود. اتحاد شوروی از لهستان کشتی و آگن باری راه آهن، ماشین ابزار، خط مونتاز و تجهیزات الکترونیکی خریداری می‌کند. بسیاری کالاهای مصرفی در بازار لهستان از جانب اتحاد شوروی تأمین می‌گردد. و این، تنها گوشه‌ای از کمکهای بی‌دریغ برادرانه به کشور است که در راه حل مشکلات خود گام برمی‌دارد.

رفیق یاروژسکی، چشم انداز آینده برای لهستان را با اطمینان ترسیم می‌کند: "هدف ما همچنان، یک دولت نیرومند است که باتکیه بر قدرت، انعطاف پذیری و نفوذ خود در جامعه قادر خواهد بود به همه دیکراسی سوسیالیستی جامعه عمل پوشانده، آنرا کامل بخشیده و از بازگشت به هر چه و سرچ جلوگیری کند."

که رهبر لهستان علت آنرا چنین بیان می‌دارد: "لهستان بدین دلیل " مجازات " می‌گردد که سوسیالیستی است، که دو سنت اتحاد شوروی است و بالاخره به این دلیل که خود را از خطر جنگ داخلی نجات داده است، جنگ داخلی آنی که می‌توانست وضع کسل اروپا را در چارچوب ثبات سازد. ما را به لحاظ سیاسی و اقتصادی تحریم می‌کنند و مورد هجوم تبلیغاتی قرار می‌دهند. اما ما ایستاده ایم. این کار را زنده لهستانی امپریالیست‌ها به جایی نبرده و نخواهد برد. ما مهربانانه در برابر دیگران نخواهیم شد. چرخ تاریخ رانمی توان به عقب برگرداند."

با عادی شدن تدریجی اوضاع، وضع فوق العاده ملغی گردید:

"زندگی در کشور به حال عادی باز می‌گردد. در همه عرصه‌ها بهبود و واقعی به چشم می‌خورد. اما طبعاً این بدان معنی نیست که دشمنان سوسیالیسم دست از اخلاص، تحریک و تخدیر افکار گروه‌های معینی از مردم کشیده‌اند. این تحریکات تا زمانی ادامه خواهد داشت که هنوز همه زحمتکشان کاملاً در نیافته‌اند ماهیت این "دوستان" ادعایی مردم چیست و عملکرد آنان تا چه حد مفرست. وظیفه حزب این هست و خواهد بود که بر روند رشد آگاهی اجتماعی تأثیر گذارده و آنرا تقویت و تسریع کند. وظیفه ارگانهای دولتی نیز ایمن است که از فعالیت‌های ضد سوسیالیستی پیگیرانسه جلوگیری نمایند."

"احیا پیوند حزب با طبقه خود، با زحمتکشان، و جلب اعتماد آنها مهم‌ترین وظیفه ماست. این امر تنها از یک طریق امکان پذیر است: مردم باید احساس کنند وجود حزب برای آنها دارای اهمیت حیاتی است، باید احساس کنند که حزب مطمئن‌ترین تکیه‌گاه در مقابل مشکلات، رکود و همه مظاهر ناپسانمانی است و برنامه آن متوجه بهبودی مردم است."

بیان کار، درخشان است. در سال ۱۹۸۳ تولید صنعتی لهستان که از ۱۹۷۹ بدین سو همواره آهنگ رشد منفی داشت، ۸ درصد افزایش یافت. دبیر اول حزب متحد کارگران لهستان در این باره می‌گوید:

"در کمتر از دو سال اهداف زیسادی تحقق یافته‌اند. کشور راز و رشکستگی اقتصادی نجات پیدا کرده است. آهنگ رشد منفی متوقف شده و زمینه‌های اساسی پیشرفت آتی فراهم گشته است. در اذهان مردم اینک حزب متحد کارگران لهستان تنها نیرویی است که قادر است لهستان را در قلبه بر مشکلات کنونی رهبری کند. البته، حل این مشکلات آسان نیست. لطامت وارده به اقتصاد و تنزل فاحش درآمد

۲۲ ژوئیه (۳۱ تیر) چهلمین سالگرد تاسیس جمهوری توده‌ای لهستان است. در این روز، در سال ۱۹۴۴، در خلم، یکی از نخستین شهرهایی که توسط ارتش شوروی و نیروهای مسلح آزاد بیخوش لهستان از اشغال فاشیست‌های آلمانی رهایی یافت، منشوری بعنوان نخستین سند دولت نوین مردمی منتشر شد. "کمیتسه رهایی ملی لهستان" که موقتاً وظایف حکومت کارگران و کشاورزان را بعهده داشت، در این سند، برنامه‌ای برای ایجاد یک دولت دیموکراتیک توده‌ای ارائه نمود. این منشور، انتقال کامل قدرت به دست زحمتکشان را رقم زد. در ماه مه ۱۹۴۵ تمام خاک لهستان آزاد شد، و این کشور، ساختمان سوسیالیسم را آغاز نمود. لهستان سوسیالیستی ۴۰ سال پس از تاسیس جمهوری توده‌ای، با بیش از ۳۶ میلیون نفر جمعیت بخش تفکیک ناپذیری از اردوگاه سوسیالیسم و عضو شورای همیاری اقتصادی و پیمان ورشو است.

امروز افکار عمومی جهان با علاقه خاصی تحول اوضاع در جمهوری توده‌ای لهستان را که متوجه غلبه عواقب بحران سالهای ۱۹۸۰ و ۸۱ است، دنبال می‌کند. هر روز، جریانات زندگی این واقعیت را بیش از پیش به اثبات می‌رساند که درگونی‌های بنیادی اجتماعی در لهستان در چهاردهه پس از جنگ جهانی دوم، بازگشت ناپذیرند. نشریه شوروی "سوسیالیسم، تئوری و پراتیک" گزیده‌ای از سخنان و نوشته‌های ووسیخ یاروژسکی، دبیر اول کمیته مرکزی حزب متحد کارگران لهستان و صدشورای وزیران جمهوری توده‌ای لهستان را که به تشریح اوضاع در این کشور اختصاص دارد، منتشر ساخته است. رفیق یاروژسکی سه سال پیش گفت:

"نقشه شوم براندازی سوسیالیسم در لهستان در تاریخ ۱۳ دسامبر (۱۹۸۱) بطور قطعی باشکست مواجه گردید. هشیاری و تفاهمی که وجه مشخصه برخورد اکثریت قاطع مردم ما با برقراری وضع فوق العاده بود، دلیل بارزی است بر احساس مسئولیت میهن پرستانه آنها، و اعتماد آنها به ارتش مردمی لهستان، که بنابه اراده حزب مسئولیت اصلی را در دفاع از سوسیالیسم و نجات کشور بعهده گرفته است."

در تاریخ ۱۳ دسامبر ۱۹۸۱، با برقراری وضع فوق العاده، کوشش‌های مشترک مردم، دولت، ارتش و حزب طبقه کارگر لهستان بمنظور غلبه بر مشکلات کشور و دفع حملات دشمنان سوسیالیسم و در رأس آنها امپریالیسم آمریکا وارد مرحله جدید و تعیین کننده‌ای شد. حملاتی

رویدادهای جهان



کمونست های فرانسه از دولت خارج شدند

کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه به اتفاق آرا تصمیم گرفت از شرکت در دولت جدید این کشور به ریاست لورن فابیوس خودداری کند. این تصمیم به دنبال عدم تضمین نخست وزیر جدید برای مبارزه موثر علیه بیکاری جمعی، اتخاذ شد. در بیانیه کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه در این باره آمده است طبق تصمیم فابیوس، سیاست "محدویت ها" که تاکنون به افزایش بیکاری، کاهش قدرت خرید، زحمتکشان و به خطر افتادن آینده کودکان و نوجوانان انجامیده، ادامه خواهد یافت. در چنین وضعیتی، انضباط و زرای کمونیست برای این یان و زارتخانه، تنهایی اقدام صوری خواهد بود. کمیته مرکزی در بیانیه خود افزود ده است برای کمونیستها، اشغال این پست دولتی مطرح نیست، بلکه هدف آنها اجرای یک سیاست مفید برای فرانسه است و "در این شرایط ما از لحاظ اخلاقی حق نداریم در برابر میلیونها مرد، زن و جوان که همگی ناراضی و نگرانند، طوری وانمود سازیم که گویایمی توانیم درد و ملت فعلی انتظارشان را برآورده کنیم. ما همانگونه که قصد داریم اجازه دهیم کسی ما را فریب دهد، حاضریم فریب این میلیونها انسان نیز نبستیم". در بیانیه، خطاب به نیروهای راست آمده است که آنها نباید دچار خیالات واهی گردند، زیرا حزب کمونیست فرانسه همیشه و در همه جا برای مبارزه با آنان حاضر است. در خاتمه، کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه تاکید کرده است که خروج از دولت به معنای پایان اتحاد چپ در فرانسه نیست و حزب، همچنان از هر اقدامی در جهت تحقق تعهدات دولت ائتلافی، حمایت خواهد کرد.

دیرکل حزب کمونیست یونان ۷۰ ساله شد

رفیق هاریلائوس فلوراکیس، دبیرکل حزب کمونیست یونان، ۷۰ ساله شد.



فلوراکیس که در ۲۰ ژوئیه ۱۹۱۴ به دنیا آمد، از او ان جوانی فعالیت در جنبش دمکراتیک و

سوسیالیستی را آغاز کرد. پس از اشغال کشور توسط ارتش فاشیستی آلمان، فلوراکیس به عضویت حزب کمونیست درآمد و بعنوان کمیسر سیاسی، در یکی از واحدهای چریکی ارتش رهای بخش یونان بنام "الاس"، به فعالیت پرداخت. پس از آزادی کشور از اشغال نازی ها، فلوراکیس در جنبش مقاومت علیه صدور ضد انقلاب از سوی آمریکا شرکت کرد. در سال ۱۹۴۷ باردیگر حزب کمونیست یونان ممنوع اعلام گردید، و فلوراکیس، برای بار دوم به زندگی مخفی روی آورد. در سال ۱۹۵۴ دستگیر شد و از سوی پلیس سیاسی، به زندان ایستاد محکوم شد، اما در سال ۱۹۶۶ آزادی خسودرا باز یافت. پس از کودتای فاشیستی سرنگ ها، او باردیگر بازداشت شد و پنج سال را در زندان گذراند. وی در سال ۱۹۷۲ آزاد شد و بعنوان دبیر اول کمیته مرکزی انتخاب گردید. پس از قانونی شدن مجدد حزب کمونیست یونان، حزب تحت رهبری فلوراکیس نفوذ خود در میان مردم را افزایش داد. از انتخابات پارلمانی سال ۱۹۷۷ که کمونیست های یونان ۹ درصد آرا را به دست آوردند، نفوذ و اعتبار حزب دایما رو به گسترش بوده است.

بزرگترین تظاهرات تاریخ نیکاراگوئه به مناسبت سالگرد انقلاب

در روز ۱۹ ژوئیه، به مناسبت پنجمین سالگرد پیروزی برد یکتاوری سو موزا، بزرگترین تظاهرات تاریخ نیکاراگوئه در این کشور برگزار شد. بیش از ۳۰۰ هزار نفر از مردم ماناگو پایتخت نیکاراگوئه و سایر نقاط این کشور، در میدان جدید الاحداث "کماندانت کارلوس فوستکا" در مرکز ماناگو، برپشتیبانی قاطع خلق نیکاراگوئه از روند انقلابی به رهبری جبهه ساندینیست برای آزادی ملی (اف.اس.ال.ان) تاکید کردند.

دانیل اورنگا، هماهنگ کننده شورای دولتی نیکاراگوئه، طی یک سخنرانی در این مراسم، گفت ملت ساندینو حتی به قیمت تحمل مشکلات زیاد، از آزادی و استقلال کهنه دستاورد انقلاب است دفاع خواهند کرد. وی افزود در ۱۹ ژوئیه ۱۹۷۹ فصل جدیدی در تاریخ کشور گشوده شد، و آرزوی صد هاسالسه توده های خلق برآورده گردید. امری کهنه نسل ها انرا فقط می توانستند در رویا ببینند، به تحقق پیوست. صدها هزارتن از مسردم نیکاراگوئه از طریق کارزار سوادآموزی، خواندن و نوشتن یاد گرفتند. برای نخستین بار، حق همه شهروندان مبنی بر داشتن کار و مسکن مناسب، در قانون تصریح شد.

رهبر نیکاراگوئه گفت پیروزیهای نیکاراگوئه آزاد، خشم امپریالیستهار که از سر مشق قسرا گرفتن این انقلاب در منطقه هراس دارند، برمی انگیزد. به گفته او، رنگا، در سه سال اخیر ۷۳۹۱ نفر از مردم نیکاراگوئه در جریان عملیات

ضد انقلابیون کشته شده اند. خسارات مادی ناشی از جنگ اعلام نشده واشنگتن، به ۲۲۷ میلیون دلار بالغ می گردد.

مردم جزیره موریس خواهان

برچیدن پایگاه آمریکایی دیه گوکارسیا

دهها هزارتن از مردم جزیره موریس که در اقیانوس هند قرار دارد، فراخوان مرسوط به برچیدن فوری پایگاه نظامی آمریکا در جزیره دیه گوکارسیا را امضا کردند. قرار است ایمن فراخوان به کنفرانس صلح کشورهای همجوار اقیانوس هند که در آغاز سال ۱۹۸۵ در کلمبو پایتخت سری لانکا برگزار خواهد شد، ارایه گردد. وزیر خارجه موریس اعلام کرد دولت وی در این کنفرانس خواهان برچیدن همه پایگاههای نظامی در منطقه خواهد شد و از ایالات متحده آمریکا خواهد خواست که مجمع الجزایر "چاگوس" مورد استفاده نظامی قرار نگیرد.

یک کودک ۱۴ ساله، قربانی جنایت اشغالگران صهیونیست

در دهکده معروبه واقع در نزدیکی بندر صور که مانند سایر نواحی جنوب لبنان در اشغال اسرائیل است، سربازان صهیونیست به جنایت جدیدی دست زدند. به گزارش رادیو لبنان، نیروهای اسرائیلی که به دنبال "افراد مشکوک" در دهکده مزبور دست به عملیات تجسسی زده بودند، اقدام به تیراندازی کرده و یک دختر بچه ۱۴ ساله را به قتل رساندند.

اسرائیل در حال حاضر ۱۵ هزار سرباز در جنوب لبنان مستقر کرده است. نیروهای اسرائیلی می کوشند با عملیات تضحیقی و ایدایی مقاومت فزاینده مردم علیه اشغالگران راسرکوب کنند.

تاس: اعتراف آشکار ریگان به حمایت از اشغال افغانی

خبرگزاری تاس می نویسد ریگان رئیس جمهور آمریکا علنا اعتراف نموده که آمریکا از ترو رسته های افغانی مستقیما حمایت می کند. تاس طی گزارشی درباره نامه ای از ریگان، اشاره می نماید که رئیس جمهور آمریکا از سایر کشورها خواسته است به آمریکا کمک به باند های ضد انقلابی افغانی یاری رسانند. تاس می افزاید ریگان در نامه خود "مرتدان، اشرار و خائن ترین راقهرمان نامیده است".

با جمع آوری کمک مالی فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی خود یاری دهید!



نایکان از محاسبه باک دارند!

کارنطق و خطابه مسئولین مملکتی در مجمع کارگری هرروز مشکل تر می شود. آنان می دانند که اینگونه مجامع به جلسه ای برای محاکمه مسئولین بدل می شود. حسین موسوی نخست و زیر، مدتی قبل در اجتماع کارگران راه آهن حاضر شد. پس از اینکه سخنان او پایان گرفت، کارگری از جابرجاسته و چنین گفت:

"کارگران نفت و راه آهن در ساقط کردن رژیم مزدور پهلوی نقشی اساسی داشتند. ولی اکنون پنج سال و چند ماه پس از انقلاب هیچیک از مشکلاتشان حل نشده. نو در صد کارگران راه آهن مسکن ندارند، حقوق فعلی کفاف زندگی روزمره را نمی دهد، با آنکه راه آهن درآمد سرشاری دارد و این درآمد حاصل کارگران است، ولی در جهت حل مشکلات مابکار گرفته نمی شود..."

پیش از اینکه سخنان اعتراض آمیز این کارگر به پایان برسد، نخست و زیر با عصبانیت اجتماع را ترک کرد. او در برابر دادخواست کارگران چه می توانست بگوید؟

"هرکس ناراضی است، تصفیه حساب کند!"

در کارخانه میخ سازی پارس به مناسبت ماه رمضان مدیریت تصمیم می گیرد ساعت کار را از ۸ ساعت به شش ساعت و نیم کاهش دهد. اما دستور می دهد سطح تولید باید در همان حد سابق حفظ گردد. طبعاً این تصمیم با اعتراض همه کارگران مواجه می شود. کارگران قسمت سیم خاردار سازی به این اجحاف تن نمی دهند. مدیر کارخانه به کارگران معترض پاسخ می دهد که "هرکس ناراضی است تصفیه حساب کند و برود!"

پس به چه کسی مربوط است؟

در شیلات شمال از دیرباز قسمت کوچکی از ماهیهای صید شده به کارگران صیاد تعلق می گرفت. سهمیه ماهی کارگران در حقیقت بخشی از حقوق کارگران بود. اما اخیراً در شیلات کیش سهمیه ماهی کارگران را قطع کرده اند. این در حالی است که به گفته کارگران، برای گرفتن و بردن ماهی درجه یک از سردخانه، برای مسئولین شهر هیچگونه محدودیتی وجود ندارد. اعتراض کارگران به این تصمیم هنوز به نتیجه ای نرسیده است. مسئولین به کارگران

چنین پاسخ داده اند: "این تصمیم به شمار طی ندارد. هرکس معترض است می تواند برود!"

نواب شرکت در "جهاد تخلیه"

مدتهاست که واردات کامیون در انحصار دولت قرار گرفته است. دولت نیز به خاطر مشکلات ارزی در سطح بسیار محدودی کامیون وارد می کند. به این علت (و علل دیگر) قیمت آن در بازار نچو سرسام آوری افزایش یافته است. با اینکه صد و ر مجوز به تجار برای وارد کردن کامیون ممنوع می باشد، اخیراً یکی از تجار بزرگ بنام حاج اسدالله رضازاده توانست تعداد ۱۰۰ عدد کامیون از آلمان وارد نماید. ممنوعیت قانونی را، توسط دوست عزیز حاج آقا، آیت الله محمدی گیلانی (جلاد مشهور) از سر راه برداشت. گیلانی گفته بود که حاج آقا کامیونهار برای شرکت در جهاد تخلیه کالا از بنادر، لازم دارد. پس از ختم کارهای حقوقی، پنج عدد از کامیونهای سه نهاد هابی مانند کمیته امداد داده شد و ۸۰ عدد در بازار آزاد به قیمتهایی سرسام آور فروخته شد. حاج آقا در مقابل دریافت صد هامیلیون ریال سود خالص، نواب شرکت در جهاد تخلیه را به دیگران واگذار نمود.

بی نقاب

- در یکی از روستاهای آستانه اشرفیه، دهقانی که پدر هشت فرزند بود، بخاطر خرابی محصول و سختی معیشت خود در اخلق آویز می کند.
- در جمخاله دهقانی که برای تأمین معاش قصد ماهیگیری داشت، توسط مامورین بسیج به رگبار بسته شده و سوراخ سوراخ می شود.
- در کاشهر قایق دهقان فقیری که در حال ماهیگیری، در سفید رود بود توسط مامورین بسیج و ارونه شده و دهقان غرق می شود.

مدیران دولتی یا حکام مغول

مدیران کارخانه ها برای تشدید بهره کشی از کارگران به هیچ حد و مرزی پایبند نیستند. این گونه مدیران از حمایت و تشویق بیدریغ مقامات دولتی جمهوری اسلامی برخوردارند. در کارخانه ایرانا، مدیریت تصمیم گرفت بهانه های گوناگون، یک ربع ساعت بر ساعت کار را نوبی کارگران بیفزاید. کارگران باخشم به این تصمیم و قبحانه اعتراض کردند. آنها متحدانه رایگه شعاری دادند، روانه خیابان شدند. کارگران ایرانا از جمله شعار "خیدر-خیدر" را تکرار می کردند که در یکی از سریالهای تلویزیونی شعار مردم قیام کننده علیه حکام مغول بود. این مبارزه به سود کارگران پایان گرفت. مسئولین ناگزیر تصمیم خود را لغو کردند.

شرایط انتخاب

در اجرای انتخابات، در گیلان نیز

اختلافات میان رقبای نیز علماً بالا گرفته بود. طرفین پته یکدیگر را روی آب می ریختند. حجت الاسلام المهری رئیس روحانیت حوزه آستانه اشرفیه و مدافع زمینداران و تجار بزرگ، در روی حجت الاسلام قربانی، نماینده امام در منطقه قرار گرفته بود. او سندی را وسیعاً در منطقه پخش می کند که بنا بر آن، پیش از انقلاب، قربانی ضمن دعا گویی به "ذات اقدس شهرساری"، از حضرتشان می خواست تا همه نیروی خود را متوجه قلع و قمع کمونیستها نماید. المهری با انتشار ناشیانه این سند، انتخاب قربانی را تضمین کرد. قربانی برای تکذیب سند کوششی نکرد، لذا انتخاب گردید.

پیروزی کارگران در "جنرال پلاستیک"

کارگران کارخانه "جنرال پلاستیک" که اینک "عایق پلاستیک" نامیده می شود، از مدتها قبل برای کسب مطالبات خود به مقامات مسئول مراجعه می کردند. آنها بویژه به حذف تعطیل روزه های پنجشنبه اعتراض داشتند و در برابری توجیهی مسئولین بالاخره اقدام به اعتصاب می کنند. شرکت پیکار چه کارگران در این اعتصاب باعث توقف کامل تولید می گردد. در روز بیستم اردیبهشت مسئولین ناچار به عقب نشینی می شوند. اکنون تعطیلی پنجشنبه ها دوباره برقرار شده است و با اینکه در پی اعتصاب و تن از کارگران مبارز به کارخانجات دیگر منتقل می شوند، کوشش های کارگران برای دستیابی به دیگر مطالبات ادامه یافته است. آنها از جمله خواهان افزایش دستمزد، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، حق سختی کار و بهبود شرایط کار هستند.

AKSARIYAT

NO. 17

FRIDAY, 27 JULY 84

Address

POSTFACH 23007
6500 MAINZ 23
W. GERMANY

آلمان فدرال

P.O. BOX 101
LONDON N17 6YU
ENGLAND

انگلستان

P.O. BOX 68156
LOS ANGELES, CA 90068
USA

ایالات متحده

C.P. 3125
00122 OSTIA LIDO (ROMA)
ITALY

ایتالیا

P.O. BOX NO 3018
NEW DELHI-110003
INDIA

هندوستان